

## **Economic Policymaking in the Cultural Sector; On the Effects of Copyright Regulatory Policy on Iranian Literary Writers' Income**

**Hamidreza Sheshjavani\***

### **Abstract**

The oldest regulatory policy in the cultural sector is the Authors' Protection (Copyright) Law whose development and implementation dates back to more than fifty years ago. The economic impacts of this policy, however, have rarely been the subject of research. The conceptual framework of this study has been based on key copyright economics research dealing with copyrights as economic incentives (Watt, 2013, Towse, 2001). The research method follows a quantitative approach and a survey design. The sample included 91 literary writers which were randomly selected from among 586 writers. Categorization, coding, and data analysis were performed using SPSS 23 software program, and the techniques employed for analyzing the data were multiple linear regression and non-parametric correlation. The findings reveal that copyright earnings are very low among Iranian literary writers, constituting a maximum of 4% of their average creative income. Multiple-job-holding increases as the copyright income decreases. The result of the multiple linear regression showed that the variable "breach of contracts" has a direct and negative effect on the copyright income. The model also shows that if the "breach of contract," were to decrease one more level, the copyright income would increase by around 124 percent. The variable "number of books translated to other languages"

\* PhD in Cultural Policymaking; Member of ACEI (International Association of Cultural Economics);  
sheshjavani@cacima.com

Date received: 07/10/2021, Date of acceptance: 21/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

showed a direct positive effect on the copyright income, as with each translated book the copyright income would rise by 175 percent. Overall, it can be concluded that although the connection between variables and the direction of influence have been in alignment with the policy-maker's intention, the influence has been insignificant.

**Keywords:** Keywords: Cultural Economics, Writers' Labor Market, Copyright, Economic Policymaking in the Cultural Sector.

JEL Classification: Z11, Z18, N35, J01, L43



## سیاست گذاری اقتصادی بخش فرهنگ؛

### بررسی اثر سیاست تنظیمی کپی رایت بر درآمد نویسندگان ادبی در ایران

حمیدرضا ششجوانی\*

#### چکیده

قدیمی ترین سیاست تنظیمی بخش فرهنگ، قانون حمایت از مولفین، مصنفین و هنرمندان (کپی رایت) است که بیش از ۵۰ سال از تدوین و اجرای آن در کشور می گذرد. لیکن تبعات اقتصادی این سیاست به ندرت بررسی شده است. چارچوب مفهومی این بررسی بر اساس پژوهش های کلیدی اقتصاد کپی رایت درباره اعطای حقوق انحصاری کپی رایت به مثابه مشوق های اقتصادی شکل گرفته است. روش پژوهش کمی و به شیوه پیمایش بوده است. رگرسیون خطی چندگانه و همبستگی ناپارامتریک تکنیک های تحلیل داده ها بوده که با استفاده از نرم افزار SPSS 23 انجام شده است. یافته های این مطالعه نشان می دهد درآمد ناشی از کپی رایت در میان نویسندگان ایرانی حداکثر ۴٪ از میانگین درآمد خلاق آن ها را تشکیل می دهد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، متغیر «تخلف در قرارداد» اثر مستقیم و منفی بر درآمد کپی رایتی نویسندگان دارد. مدل به دست آمده نشان می دهد چنانچه تخلف در قرارداد یک سطح کم تر شود، درآمد کپی رایتی آن ها حدود ۱۲۴٪ افزایش می یابد. متغیر «تعداد کتاب های ترجمه شده نویسنده به زبان دیگر» اثر مستقیم و مثبت بر درآمد ناشی از کپی رایت دارد و به ازای داشتن یک کتاب ترجمه شده به زبان دیگر، ۱۷۵٪ به درآمد کپی رایتی نویسندگان افزوده می شود. در نهایت می توان گفت: روابط میان متغیرها و جهت اثرگذاری در راستای هدف سیاست گذار بوده، اما این تأثیر بسیار اندک بوده است.

\* دکترای سیاست گذاری فرهنگی، عضو انجمن بین المللی اقتصاد فرهنگ، sheshjavani@cacima.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد فرهنگ، بازارکار نویسندگان، کپی‌رایت، سیاست‌گذاری اقتصادی  
بخش فرهنگ

طبقه‌بندی JEL: Z11, Z18, N35, J01, L43

## ۱. مقدمه

حدود یک دهه است که صنایع خلاق به عنوان یکی از پیش‌ران‌های محتمل توسعه، توجه سیاست‌گذاران کشور را به خود جلب کرده و موضوع بهره‌برداری اقتصادی از کپی‌رایت نیز بر اثر آن گسترش یافته است. از یک سو اهمیت روزافزون کپی‌رایت در زندگی روزمره و فعالیت‌های تجاری محتوای محور و هم‌چنین اهمیت اطلاعات و دسترسی به آن، نقش کپی‌رایت در اقتصاد را افزایش داده است (WIPO 2016: 7). از سوی دیگر نویسندگان ادبی عضو کانونی طبقه خلاق هستند و فعالیت آن‌ها به صورت اشتقاقی موجب رشد سایر صنایع فرهنگی و خلاق می‌شود (Throsby 2008:150). آمارهای موجود نشان می‌دهد در بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ بیش از ۵۰۰۰ نفر نویسنده داستان و رمان در کشور کتاب‌های‌شان را به چاپ رسانده‌اند (خانه کتاب ۱۳۹۹) و دولت در این مدت از طریق دو ابزار سیاست‌های بودجه‌ای (مالی) (fiscal policies) و سیاست‌های تنظیمی (regulatory policies) در تولید و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی مداخله کرده است.

این بررسی در تلاش است تا نشان دهد (۱) میزان درآمدی که نویسندگان کشور بر اثر اعمال سیاست تنظیمی کپی‌رایت به دست آورده‌اند، چه قدر بوده است؟ (۲) چه عواملی تعیین کننده درآمد کپی‌رایتی نویسندگان ادبی هستند؟ (۳) نهایتاً اعطای حقوق انحصاری کپی‌رایت به نویسندگان توانسته، منجر به تولید ادبی بیشتر شود؟

در ادامه متن ضمن بررسی مبانی نظری و شیوه انجام پژوهش، ابتدا میزان درآمد ناشی از کپی‌رایت و بعد از آن تابع درآمد کپی‌رایتی نویسندگان خواهد آمد و در انتها ضمن نتیجه‌گیری، پیش‌نهادهایی ارائه می‌شود.

اگر چه متون اقتصاد فرهنگ در مورد تحلیل اقتصادی کپی‌رایت و نیز در مورد بازار کار هنرمندان ادبیات نظری قابل توجهی دارند، اما مطالعه تجربی درآمد کپی‌رایتی هنرمندان اندک است. در مورد ایران حتی تحلیل‌های اقتصادی کپی‌رایت هم انگشت‌شمار هستند و

مطالعه کپی‌رایت تقریباً به حقوق‌دانان سپرده شده است. به نظر می‌رسد این نوشته اولین مطالعه تجربی درآمد کپی‌رایتی هنرمندان (نویسندگان) باشد.

## ۲. مبانی نظری

این بررسی بر دو پایه استوار است که تعریف مفهومی آن‌ها در ادامه خواهد آمد:

### ۱. سیاست‌گذاری اقتصادی بخش فرهنگ

به هر مداخله‌ای در تولید یا مصرف کالاهای فرهنگی که در مخارج یا درآمد دولت تأثیر می‌گذارد سیاست بودجه‌ای گفته می‌شود. وقتی دولت برای بنگاه‌های انتشاراتی یا گالری‌های هنری معافیت‌های مالیاتی در نظر می‌گیرد، در اساس درآمدهای مالیاتی خود را در بخش فرهنگ محدود کرده است و زمانی که مؤسساتی (مثل حوزه هنری، صدا و سیما یا سایر مؤسسات فرهنگی که در جدول ۱۷ لایحه بودجه اسامی‌شان می‌آید) برای تولید کالاها یا خدمات فرهنگی تأسیس و اداره می‌کند، هزینه‌هایی را متقبل می‌شود که جزو مخارج دولت به شمار می‌آیند.

اما سیاست تنظیمی، به وضع هر نوع مقررات تشویقی یا تنبیهی گفته می‌شود که در اثر آن تولید یا مصرف کالاها و خدمات فرهنگی کاهش یا افزایش می‌یابد. قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین (کپی‌رایت)، مقررات گمرکی و ممیزی کتاب از مصادیق سیاست‌های تنظیمی هستند.

کالاهای فرهنگی جزو کالاهای عمومی یا شبه‌عمومی هستند و با توجه به ویژگی‌های این کالاها احتمال رخ دادن «شکست بازار» (market failure) و تولید ناکافی زیاد است. دولت برای جبران این شکست دو راه دارد: خودش تولید کند یا از تولیدکنندگان خصوصی حمایت کند (سیاست مالی) و یا این که قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری -کپی‌رایت- وضع کند<sup>۱</sup> (سیاست تنظیمی) آن هم به گونه‌ای که (۱) پدیدآورندگان قابل‌شناسایی باشند، (۲) انعقاد قرارداد میان طرفین بازار هزینه‌اندکی داشته باشد و (۳) شناسایی و پی‌گیری ناقضین حق میسر باشد.

### ۲. کپی‌رایت

کپی‌رایت مجموعه حقوقی<sup>۲</sup> است که دارنده آن را قادر می‌سازد استفاده‌های مختلف از اثرش را در مدت زمانی معین و به اشکال مختلف کنترل کند. برای مثال نمی‌توان کتابی را کپی کرد، الکترونیکی منتشر کرد، در رادیو خواند یا برای تولید فیلم اقتباس کرد، مگر این که اجازه بهره‌برداری از آن را (به احتمال زیاد در ازای پول) از دارنده یا دارندگان حق گرفت (Towse 2014: 80).

بر اساس این تعریف، کپی‌رایت از منظر اقتصادی نوعی انحصار چمبرلین (Chamberlin) است که به قصد جبران شکست بازار و تشویق تولید و توزیع کالاها و خدمات فرهنگی و در نهایت گسترش فرهنگ وضع شده است. دلایل قانون‌گذاران در وضع چنین قانونی تقریباً در همه کشورها این است که در پدیدآورنده انگیزه کافی برای تولید آثار ادبی و هنری ایجاد کند. «اثر مستقیم قانون کپی‌رایت این است که بازده عادلانه‌ای را برای نیروی کار خلاق تضمین کند. اما هدف نهایی از در اختیار نهادن این مشوق، اطمینان از دسترسی مردم به ادبیات، موسیقی و سایر هنرها است» (Hughes 2003: 121-2)

از آنجا که تولید کالای ادبی هزینه ثابت بالا و هزینه نهایی اندکی دارد، حمایت کپی‌رایتی تضمینی است برای تولید کافی آن. به عبارت دیگر با وضع قانون و ایجاد مالکیت انحصاری آفرینش و عرضه آثار هنری و ادبی بیش‌تر می‌شود. در جمع‌بندی می‌توان چنین گفت که کپی‌رایت انگیزه‌ای اقتصادی است، چرا که این حق انحصاری، به دارنده‌اش امکان می‌دهد تا هزینه‌های تولیدش را جبران کند (Towse 2020: 130).

نظام کپی‌رایت در هر کشوری سه رکن «قانون»، «اجرا» و «مدیریت» دارد. «قانون» حمایت از صاحب حق را به شیوه‌ای مناسب تدارک می‌بیند، «اجرا» ضمانتی است برای احقاق این حقوق و مدیریت در اساس سازوکاری است که بر اساس آن صاحب حق و مصرف‌کننده می‌توانند از اثر بهره ببرند. «مدیریت» یعنی افراد به یک مؤسسات مدیریت جمعی (CMOs) اجازه جمع‌آوری منافع حاصل از حقوق‌شان را واگذار می‌کنند. ضرورت مدیریت حقوق از این جا روشن می‌شود که حقوق پیش‌بینی شده متنوع هستند و مصرف‌کنندگان نیز در دامنه جغرافیایی گسترده‌ای حضور دارند، در نتیجه دارندگان حق عملاً نمی‌توانند با تمامی مصرف‌کنندگان مذاکره کنند. از طرف دیگر استفاده‌کننده‌هایی مانند رادیو و تلویزیون هم نمی‌توانند برای هر اثری که استفاده می‌کنند به دنبال صاحب حق

یا پدیدآورنده بگردند. از این‌رو مؤسسات مدیریت جمعی در حکم واسطه میان دارندگان حق و مصرف‌کنندگان تشکیل شدند تا از طرف دارندگان حق حقوق‌شان را اداره کنند.

در خصوص بررسی در مورد درآمد کپی‌رایتی نویسندگان عملاً دو راه وجود دارد. نخست از راه داده‌هایی که مؤسسات مدیریت جمعی گردآورده‌اند و دوم انجام پیمایش‌هایی مقطعی که منابع درآمدی نویسندگان را بر اساس روش‌های متداول در اقتصاد فرهنگ جمع‌آوری می‌کنند. با توجه به این که مؤسسات مدیریت جمعی هنوز در ایران پا نگرفته‌اند، بدیهی است که شیوه کار این پژوهش از نوع دوم است.

### ۳. سابقه مطالعات تجربی

کرچمر و هاردویک (Kretschmer and Hardwick 2007) پژوهش گسترده‌ای درباره درآمد نویسندگان در دو کشور انگلستان و آلمان در دانشگاه بورنموت انجام داده‌اند و جزو نخستین مطالعاتی است که مجزا درباره درآمد کپی‌رایتی نویسندگان صحبت کرده است. محققان این پروژه که با مشارکت ۲۵۰۰۰ نویسنده در دو کشور به انجام رسیده این نتایج را گزارش کرده‌اند: میانگین درآمد سالانه نویسندگان حرفه‌ای در سال ۲۰۰۵ در کشور آلمان ۱۲۰۰۰ یورو و در انگلستان ۱۷۸۷۰ یورو (۱۲۳۳۰ پوند) بوده است. میانگین درآمد کپی‌رایتی نویسندگان آلمانی از مؤسسات مدیریت جمعی ۴۹۰ یورو و نویسندگان انگلیسی ۵۷۴ یورو بوده است. کرچمر و هاردویک ضرایب جینی را برای توزیع درآمد نویسندگان محاسبه و آن را با توزیع درآمد ملی مقایسه کردند و متوجه شده‌اند سازوکار بازار برنده صاحب همه‌چیز (winner-take-all market) در بازار ثانویه کپی‌رایت هم وجود دارد و میانگین پرداخت مؤسسات مدیریت جمعی به نویسندگان مشهورتر بسیار بیش از میانگین کلی پرداخت‌ها بوده است.

دیوید تراسبی و همکارانش در پژوهشی درباره نویسندگان استرالیایی که با مشارکت دانشگاه مک‌کوایری انجام شده، (Zwar, Throsby, and Longden 2015: 3) نتایج زیر را گزارش کرده است: میانگین درآمد سالانه نویسندگان از نویسندگی خلاق ۱۲۹۰۰ دلار استرالیا و درآمد ناشی از حق‌التالیف بازار اولیه و ثانویه ۴۵۰۰ دلار استرالیا است. نسبت درآمد کپی‌رایتی نویسندگان به کل درآمد خلاق ۳۴٪ است. ۴۲٪ از نویسندگان دست‌کم عضو یک مؤسسه مدیریت جمعی حقوق (CMO) هستند، ۳۷٪ شان در یک‌سال گذشته

دست کم یکبار پرداخت کپی‌رایتی داشتند، تنها یک‌پنجم از نویسندگان استرالیایی نقض حق آثارشان را تجربه کرده‌اند کمی بیش از ۳۰٪ کسانی که حق‌شان نقض شده بود، به دادگاه مراجعه کرده بودند و در ۶۰٪ موارد برنده از دعوای حقوقی بیرون آمده بودند. ۱۸ درصد از کل درآمد نویسندگان را درآمد ناشی از کپی‌رایت آنان تشکیل می‌دهد. حدود ۶۰٪ از تمامی پاسخ‌گویان باور داشتند که نظام کنونی حقوق قادر است به خوبی از حقوق کپی‌رایتی آنان محافظت کند.

انجمن کپی‌رایت طراحان و هنرمندان (DACS 2011) در انگلستان پژوهشی را در سال ۲۰۱۱ ترتیب داده است، با عنوان «تحلیلی اقتصادی بر کپی‌رایت، کپی‌رایت ثانویه و مجوزدهی جمعی». نتایج پژوهش<sup>۳</sup> DACS نشان می‌دهد میانگین درآمد نویسندگان از کلیه منابع درآمدی سالانه ۲۵۰۰۰ پوند است که ۱۲۵۰۰ پوند پایین‌تر از میانگین سایر مشاغل غیر هنری-ادبی جامعه است. کل حجم توزیع پرداختی‌های ناشی از مؤسسات مدیریت جمعی ادبیات ۷.۲ میلیون پوند بوده است و تنها حدود ۴٪ از کل درآمد نویسندگان از طریق پرداخت‌های مؤسسات مدیریت جمعی به دست می‌آمده است.

#### ۴. روش پژوهش

داده‌های این مطالعه از طریق پیمایشی به دست آمده که در فاصله تیرماه تا آبان سال ۱۳۹۹ انجام شده است. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS 23 تحلیل شده‌اند و تکنیک‌های کلیدی تحلیل، رگرسیون خطی چندگانه و همبستگی ناپارامتریک بوده است. برخلاف مشاغل دیگر، معلوم کردن این که چه کسی نویسنده یا هنرمند است کار دشواری است چرا که ملاک‌های عینی و شرط رسمی وجود ندارد و هرکسی می‌تواند خود را نویسنده بنامد (Wassall and Alper 1985: 14) از همین رو برای شناسایی جامعه مورد بررسی و تعیین نمونه متناسب با آن سه شرط تعیین کردیم.

(۱) دست کم ۳ سال از انتشار کتاب اول‌شان گذشته باشد،

(۲) حداقل دو کتاب منتشر کرده باشند که یکی از آن‌ها رمان باشد و

(۳) عضویت یکی از نهادهای حرفه‌ای ادبیات داستانی نظیر انجمن صنفی داستان‌نویسان را داشته باشند.



بر اساس این شروط و فهرست اعضای نهادها لیستی از ۵۸۶ نویسنده ادبی تهیه شد. براساس نظریه حد مرکزی و نظر جانسون و باتاچاریا (Johnson and Bhattacharyya 2009) درباره حداقل نمونه معرف، ۹۱ نفر از واجدین شرایط به طور تصادفی برای شرکت در مصاحبه انتخاب شدند. به خاطر شرایط همه‌گیری کرونا ۲۱ نفر از افراد انتخاب شده حاضر به مصاحبه نشدند که افراد دیگری جایگزین آن‌ها شدند. با ۱۹ نفر از نمونه‌های پژوهش که در استان‌های دورتری زندگی می‌کردند، با استفاده از پیام‌رسان واتس‌آپ و به صورت تصویری مصاحبه شد. متن برخی از سئوالات پژوهش پس از مصاحبه‌های آزمایشی تغییر یافتند.

برای به دست آوردن تابع درآمد کپی‌رایتی نویسندگان، به جهت همگن‌سازی واریانس از لگاریتم طبیعی درآمد به عنوان متغیر وابسته استفاده کردیم. البته فرضیات لازم، از جمله هم‌خطی چندگانه (multicollinearity) متغیرهای مستقل، برای مدل رگرسیون آزمون شده است.

متغیرهایی که برای برآورد توابع درآمدی استفاده می‌شوند عموماً تجربه، مربع تجربه، و تحصیلات هستند (Mincer 1974)، اما ممکن است محققان در مطالعه گروه‌های شغلی دیگر، متغیرهای دیگری را به تابع اضافه کنند (میرصفیان و دیگران ۱۳۹۸، Pym et al 2012). با توجه به آن چه گفته شد، متغیرهای به کار رفته در تحلیل رگرسیون چندگانه برای توضیح درآمد کپی‌رایتی نویسندگان از قرار زیرند: سن ورود به بازار، تخلف از قرارداد، هزینه یادگیری، سال‌های تجربه، تعداد کتاب، تعداد کتاب‌های ترجمه شده نویسنده به زبان‌های دیگر.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۱.۵ درآمد کپی‌رایتی نویسندگان

یکی از ویژگی اصلی بازار کار نویسندگان ادبی درآمد اندک آن‌هاست، مطالعات مختلف در ایران و جهان نشان می‌دهد که معدل درآمد نویسندگان به نسبت سایر مشاغل اندک است (Frey 2019) و سیاست‌گذاران درآمد ناشی از کپی‌رایت را یکی از راه‌های محتمل برای بهبود اوضاع مالی نویسندگان، شاعران و نمایش‌نامه‌نویسان می‌دانند.

مطابق دسته‌بندی‌های رایج در مطالعات تجربی اقتصاد فرهنگ، درآمد نویسندگان به سه دسته تقسیم می‌شود: (۱) صرفاً نویسندگی، (۲) مرتبط با نویسندگی مانند آموزش و (۳) نامربوط به نویسندگی مانند کار در صنایع دیگر. مطابق یافته‌های ما درآمد دسته اول یک نویسنده کمابیش شناخته شده حدوداً ۴۰ ساله در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. درآمد نویسندگان از دسته اول در سال ۱۳۹۹ (به تومان)

منبع: یافته‌های پژوهش

زیر بخش	میانگین درآمد ماهیانه	میانه درآمد ماهیانه*	میانگین درآمد (ساعت)
نویسندگی خلاق	۱۱۹۴۸۶۰	۳۸۰۰۰۰	۱۲۹۰۰
کپی‌رایت آثار	۴۹۴۵۰	۸۳۳۰	۸۰۰
جمع	۱۲۴۴۳۱۰	۳۸۸۳۳۰	۱۳۷۰۰

\* به دلیل چولگی در توزیع درآمد آماره میانه دید روشن‌تری به موضوع به ما می‌دهد.

بر اساس این جدول تقریباً ۴٪ از درآمد دسته اول نویسندگان ناشی از کپی‌رایت است. درست مانند آنچه کرچمر و هاردویک خاطر نشان کرده بودند، در این پژوهش هم هرکس درآمد بالاتری دارد سهم درآمدش از کپی‌رایت نیز بالاتر است. چولگی توزیع درآمد نشان‌دهنده این است که اندکی از نویسندگان درآمدهای بالا و تعداد زیادی از آنها درآمدهای اندک دارند.

## ۲.۵ برآورد تابع درآمد کپی‌رایتی نویسندگان

برای به دست آوردن تابع درآمد کپی‌رایت نویسندگان، از لگاریتم طبیعی درآمد به عنوان متغیر وابسته در رگرسیون چندگانه استفاده کردیم. از بین معادلات مختلف متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیون چندگانه - با بیشترین ضریب تعیین و تناسب با منطق پژوهش - عبارتند از:

- سن ورود به بازار
- مبلغ هزینه یادگیری
- تعداد سال‌های تجربه

- تعداد کتاب‌ها
- تعداد کتاب‌های ترجمه شده نویسنده به زبانی دیگر
- سطح تخلف از قرارداد (خیلی کم=۱ کم=۲ متوسط=۳ زیاد=۴ خیلی زیاد=۵)

جدول ۲: نتایج رگرسیون خطی چندگانه: عوامل تعیین‌کننده درآمد کپی‌رایت  
 پاسخ‌گویان = ۹۱؛ ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۶۲۵؛  $F(۶, ۴۰) = ۱۳/۷۵۱$ ؛  $p < ۰/۰۰۱$   
 منبع: یافته‌های پژوهش

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	T	معناداری	ضریب بر حسب درصد
	B	خطای استاندارد	$\beta$			
(مقدار ثابت)	-۹/۴۳۳	۱/۰۴۱	---	-۹/۰۶۰	۰/۰۰۰	---
سن ورود به بازار	۰/۲۶۱	۰/۰۳۴	۱/۲۳۱	۷/۶۸۹	***	۲۹/۸۲۲۷۷
تخلف از قرارداد	-۰/۸۰۷	۰/۱۴۲	-۰/۸۶۸	-۵/۶۸۴	***	-۱۲۴/۱۱۷۴
هزینه‌ی یادگیری	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۱/۰۹۴	-۴/۰۹۷	***	-۰/۵۰۱۲۵۲
سال‌های تجربه	۰/۱۷۸	۰/۰۴۵	۱/۰۷۰	۳/۹۶۴	***	۱۹/۴۸۲۵۳
تعداد کتاب‌ها	۰/۱۵۱	۰/۰۴۱	-۰/۳۸۸	-۳/۷۱۹	***	۱۶/۲۹۹۶۷
تعداد کتاب‌های ترجمه شده	۱/۰۱۱	۰/۲۰۰	۰/۶۲۷	۵/۰۶۶	***	۱۷۴/۸۳۴۸

\* معنی داری در سطح ۵ درصد، \*\* معنی داری در سطح ۱ درصد، \*\*\* معنی داری در سطح ۰/۱ درصد.

لگاریتم طبیعی متوسط درآمد کپی‌رایتی نویسندگان ایرانی (CI) در سال ۹۹ این گونه بوده است:

$$\ln CI_{av} = -9.433 + 0.261EM - 0.005CL + 0.151NB - 0.807BC + 0.178EXP + 1.011NTB$$

که در آن

NB: تعداد کتاب؛ CL: هزینه یادگیری؛ EM: سن ورود به بازار؛ BC: تخلف از قرارداد؛  
 EXP: سال‌های تجربه؛ NTB: تعداد کتاب‌های ترجمه شده نویسنده به زبانی دیگر

متغیر وابسته در این رگرسیون میانگین درآمد کپی‌رایتی هریک از افراد است. با نگاه جدول شماره ۲ در می‌یابیم به شرط ثبات باقی متغیرها؛

- به ازای افزایش یک کتاب به کتاب‌های نویسنده، ۱۶.۳٪ به درآمد کپی‌رایتی او افزوده می‌گردد.
  - در ازای کم‌شدن یک سطح تخلف در قرارداد، درآمد کپی‌رایتی افراد حدود ۱۲۴٪ افزایش می‌یابد.
  - به ازای یک میلیون تومان هزینه یادگیری بالاتر، نیم درصد از درآمد کپی‌رایتی افراد کم می‌شود.<sup>۴</sup>
  - به ازای بالا رفتن یک سال تجربه، درآمد کپی‌رایتی نویسندگان ۱۹.۵٪ افزایش خواهد داشت.
  - به ازای داشتن یک کتاب ترجمه شده به زبان‌های دیگر، ۱۷.۵٪ به درآمد کپی‌رایتی آن‌ها افزوده می‌گردد.
  - به ازای هر سال که دیرتر وارد بازار کار نویسندگی شوند، درآمد کپی‌رایت‌شان حدود ۳۰٪ افزوده می‌شود.<sup>۵</sup>
- برای برخی از متغیرهای ترتیبی، آزمون ضریب همبستگی را به کار گرفتیم (جدول ۳).

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن RHO

منبع: یافته‌های پژوهش

		درآمد ماهانه کپی‌رایتی
چند پیشگی <sup>۶</sup> (multiple job holding)	Correlation Coefficient	- ۰/۳۲۴**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۱
	N	۹۱
جریمه درآمدی <sup>۷</sup> (income penalty)	Correlation Coefficient	- ۰/۳۲۰**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۲
	N	۹۱
الگوی ترجیحی کار <sup>۸</sup> (Preferred work pattern)	Correlation Coefficient	۰/۱۵۷*
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۴۵
	N	۹۱

با نگاه به جدول شماره ۳ درمی‌یابیم که

هر چه درآمد ناشی از کپی‌رایت کم‌تر باشد، چندپیشگی بیش‌تر است.  
هر چه درآمد ناشی از کپی‌رایت بیشتر باشد، جریمه درآمدی کم‌تر است.  
هر چه درآمد کپی‌رایتی بالاتر باشد، نویسندگان ترجیح می‌دهند، وقت بیش‌تری برای نوشتن بگذارند.

## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

سیاست‌های اجرایی را می‌توان به دو شیوه پیش و پس از اجرای سیاست ارزیابی کرد. در شیوه‌ی پیش از اجرا مدل‌های اقتصادی را برای پیش‌بینی نتایج حاصل از اجرای سیاست به‌کار می‌گیرند و در شیوه پس از اجرا -شیوه مقاله حاضر- بر اساس داده‌ها و اطلاعات اقتصادی و غیراقتصادی، میزان اثرات اجرای آن را در عمل اندازه می‌گیرند.

پرسش پژوهش حاضر این بود که وضع قانون کپی‌رایت به‌عنوان سیاستی تنظیمی توانسته درآمد نویسندگان ادبی ایران را بالا ببرد و هم‌چون مشوقی اقتصادی منجر به تولید ادبی بیش‌تر شود؟ متناسب با این پرسش و یافته‌های پژوهش می‌توان گفت: با توجه به این که «هرچه درآمد کپی‌رایتی بالاتر برود، نویسندگان ترجیح می‌دهند، وقت بیش‌تری برای نوشتن بگذارند»، کپی‌رایت توانسته تا اندازه‌ای به‌عنوان انگیزه برای تولید بیش‌تر عمل کند. سایر یافته‌ها از یک سو، نشان می‌دهد هرچه درآمد کپی‌رایتی نویسندگان بیش‌تر باشد، چندپیشگی آن‌ها کم‌تر است. از سوی دیگر میزان چندپیشگی نویسندگان ادبی بالاست (Towse 2014: 61) و نویسندگان عملاً فرصت کم‌تری برای کار ادبی در اختیار دارند، در اساس چنان‌چه وضعیت رکن دوم نظام کپی‌رایت کشور -یعنی اجرای قانون- بهبود یابد، نویسندگان برای جبران کسری درآمد مشاغل کم‌تری را هم‌زمان به‌عهده می‌گیرند. این نکته با یافته‌های ما درباره «الگوی ترجیحی کار» هم مرتبط است. به‌عبارت دیگر که وقتی درآمد کپی‌رایتی نویسندگان کم‌تر شود، امکان و فرصت درآمد حاصل از نویسندگی کم شده، نویسندگان انگیزه‌هایشان را از دست می‌دهند و کم‌تر می‌نویسند.

نکته حائز اهمیت دیگر اثر تخلف از قرارداد در درآمد کپی‌رایتی نویسندگان ادبی است. مطابق یافته‌های این پژوهش یک سطح تخلف که پایین بیاید، درآمد کپی‌رایتی افراد حدود

۱۲۴٪ بالاتر می‌رود. این نشان دهنده این است که دست‌کم در بازار ادبیات کشور، زیرساخت‌های نهادی برخلاف بی‌توجهی به آن‌ها اثرات بالایی در تنظیم بازار دارند. چنانچه نویسنده‌ای این شانس را داشته‌باشد که کتابش به زبانی دیگر ترجمه شود، درآمد کپی‌رایتی‌اش بیش از دو نیم برابر خواهد شد. این افزایش به دلیل رعایت حق مالکیت ادبی در سایر کشورها و نیز تفاوت نرخ برابری ارز است. در شکل ۱ روابط میان متغیرهای پژوهش را ترسیم کرده‌ایم.



شکل ۱. روابط میان متغیرهای پژوهش، منبع یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌هایی که تشریح شد، و با توجه به

- مقدار اندک میانگین درآمد کپی‌رایتی (۴٪ از کل درآمد نویسندگی)،

- اثر ستارگی<sup>۹</sup> در این درآمد،

- اجرای سست قانون «حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» و این‌که برخی

نهادهای حاکمیتی و دولتی خود جزو ناقضین هستند و هزینه نقض قانون را برای

سایر متخلفین پایین می‌آورند.

در نهایت می‌توان گفت: به نظر می‌رسد قانون حمایت از مولفین، مصنفین و هنرمندان

که در اساس برای تشویق نویسندگان آثار ادبی و هنری وضع شده، دست‌کم در شرایط

فعلی نتوانسته انگیزه اقتصادی کافی برای نویسندگان ایجاد کند. با این‌که روابط میان

متغیرها و جهت اثرگذاری در راستای خواست سیاست‌گذار (درآمد منصفانه‌تر برای

نویسندگان و تولید ادبی بیشتر) بوده، اما این تأثیر عملاً بسیار اندک بوده است. این یافته با

نتایجی که دیگر محققان اقتصاد کپی‌رایت بدان دست یافته‌اند هم‌خوان است. توس (Towse, 2003) معتقد است اگرچه قانون کپی‌رایت شرط لازم کمک به هنرمندان برای کسب درآمد است، این کار را به اندازه کافی انجام نمی‌دهد. واقعیت آشکار این است که با وجود کپی‌رایت اکثر هنرمندان درآمد کافی از کار خود کسب نمی‌کنند و بخش اعظم درآمدها ناشی از منابع دیگر است و هنرمندان اندکی هستند که درآمدها از حق امتیازها و کپی‌رایت قابل توجه است. به هر ترتیب شواهد تجربی نشان می‌دهد که شاید به سیاست‌های دیگری برای حمایت از خلاقیت و تولید بیش‌تر هنر نیاز باشد. با توجه به مطالعات اکتشافی و نیز یافته‌های پژوهش حاضر، نویسندگان دو پیشنهاد زیر را مطرح می‌کنند:

نبود مؤسسات مدیریت جمعی حقوق (CMOs) در نظام کپی‌رایت کشور بخشی از درآمد ممکن‌الحصول نویسندگان را از آنها سلب کرده است با تأسیس این مؤسسات هم اجرای قانون محکم‌تر خواهد شد و هم درآمد کپی‌رایتی نویسندگان افزایش خواهد یافت. لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت فکری که در سال ۱۳۹۳ در هیأت وزیران تصویب شده و به مجلس شورای اسلامی فرستاده شده، راه‌اندازی این مؤسسات را پیش‌بینی کرده است.

دریافتیم که انتشار ترجمه آثار نویسندگان به زبان‌های دیگر اثر بسیار معناداری بر درآمد کپی‌رایتی آنها دارد از این رو پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران کشور پیوستن به ترتیبات و نظام‌های کپی‌رایت بین‌الملل، مانند معاهده برن را در دستور کار خود قرار دهند، چرا که نتایج این کار درست در جهت خواست اقتصادی سیاست‌گذار (جبران شکست بازار) خواهد بود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. توس معتقد است مادامی که شکست بازار وجود دارد، سیاست‌های تنظیمی‌ای مانند حمایت از کپی‌رایت قادر نخواهند بود درآمد هنرمندان را افزایش دهند (Towse, 2003:77).
۲. در بررسی ما منظور حقوق مادی است حقوقی مانند حق تکثیر، حق پخش، حق اجاره، حق نمایش، حق بافروش، حق استفاده در محصولات تجاری، حق بازپخش، حق کپی‌برداری

شخصی، حق بهره‌مندی از پاداش، حق بازنگاری، و حق امانت‌دهی عمومی. برخی از این حقوق در قوانین ایران پیش‌بینی نشده‌اند.

3. The Design and Artists Copyright Society .www.dacs.org.uk.

۴. در خصوص کم‌تر بودن درآمد کپی‌رایتی نویسندگانی که هزینه‌ی بیش‌تری برای یادگیری پرداخته‌اند (نیم درصد)، باید گفت یکی از خصایص ویژه بازار کار هنرمندان این است که

هنرمندان هر چه سال‌های بیش‌تری را صرف آموزش رسمی و یادگیری حرفه‌ای کرده باشند، درآمد کم‌تری از کار خلاقه‌شان به دست می‌آورند. البته اثر مدارک ناشی از آموزش رسمی بر کسب درآمد از مشاغل مرتبط با هنر طبیعی است، آن هم به این خاطر که بسیاری از کارهای مرتبط با هنر در حوزه‌ی تدریس هستند و احتیاج به مدارک رسمی دارند (Towse, 2014:63).

۵. این بدان معنی است که هر چه جوان‌تر وارد بازار کار شوند احتمال درآمد کپی‌رایتی‌شان کم‌تر خواهد بود. این موضوع با سرشت عرفی بازار هم‌خوانی دارد، پختگی کار که در اثر تجربه‌ی بیش‌تر حاصل می‌آید، امکان چانه‌زنی بیش‌تری را فراهم می‌آورد.

۶. به عهده گرفتن مشاغل متنوع هم‌زمان به عبارت دیگر نویسندگان تلاش می‌کنند تا با درآمدهای حاصل از مشاغلی مانند تدریس، روزنامه‌نگاری، فیلم‌نامه‌نویسی یا تجاری‌نویسی کمبود درآمدشان را جبران کنند.

۷. جریمه درآمدی تفاوت میان درآمد نویسندگان با مشاغل همتایی است که می‌توانستند داشته باشند.

۸. هرچند در عمل نویسندگان با وجود چندپیشگی بالا فرصتی در اختیار ندارند، لیکن اگر زمان بیش‌تری برای کار داشته باشند، ترجیح می‌دهند کار ادبی انجام دهند تا کارهای دیگر.

۹. یعنی تعداد اندکی از نویسندگان مشهور درآمد بالا و بسیاری از نویسندگان درآمدهای اندک دارند.

## کتاب‌نامه

خانه کتاب (۱۳۹۹)، گزارش آماری کتاب‌های منتشر شده مابین ۹۶/۰۱/۰۱ تا ۹۹/۰۱/۰۱ بزرگسال دیوبی ادبیات.

شش‌جوانی، حمیدرضا (۱۳۹۸)، راهنمای حقوق مالکیت هنری تعیین مسایل: مصاحبه با هنرمندان و حقوق‌دانان، تهران: نشر آوای فرزانه



سیاست‌گذاری اقتصادی بخش فرهنگ؛ ... (حمیدرضا ششجوانی) ۱۰۳

میرصفیان، لیلا، حسین پیرنجم‌الدین، و داریوش نژادانصاری (۱۳۹۸)، «اقتصاد ترجمه: برآورد تابع درآمدی مترجمان ادبی ایران»، در: دوفصل‌نامه بررسی مسائل اقتصاد ایران، س ۶، ش ۱.

Frey, Bruno S. (2019), *Economics of Art and Culture*, Cham: Springer

Watt, Richard (2013), *Handbook on the Economics of Copyright*, Cheltenham: Edward Elgar

Hughes, Justin (2003). "Fair Use across Time", *UCLA Law Review*, vol. 43:

Johnson, R. A. and Bhattacharyya, G. K. (2009), *Statistics: principles and methods*, Hoboken: John Wiley & Sons.

Kretschmer, Martin and Hardwick, Philip (2007) *Authors' Earnings from Copyright and Non-Copyright Sources: A Survey of 25,000 British and German Writers*, Bournemouth University, <<https://ssrn.com/abstract=2619649>>

Mincer, Jacob A. (1974), *Schooling, Experience, and Earnings*, New York: National Bureau of Economic Research.

Pym, A., Grin, F., Sfreddo, C., and Chan, A. (2012), *The status of the translation profession in the European Union*. Brussels: European Commission.

Throsby, David (2008). "The concentric circles model of the cultural industries", *Cultural Trends*, vol. 17, no. 3

Towse, Ruth (2001), *Creativity, Incentive and Reward: An Economic Analysis of Copyright and Culture in the Information Age*, Cheltenham: Edward Elgar

Towse, Ruth (2014), *Advance Introduction to Cultural economics*, Cheltenham: Edward Elgar

Towse, Ruth (2020) "Creators' and Performers' earnings from copyright", in *Teaching Cultural Economics*, by Trine Bille, Anna Mignosa, and Ruth Towse, Cheltenham: Edward Elgar

Towse, Ruth (2003) Copyright Policy, Cultural Policy and Support for Artists in *The Economics of Copyright: Developments in Research and Analysis* by Wendy Gordon and Richard Watt Cheltenham: Edward Elgar

Wassall, Gregory and Neil O. Alper (1985). "Occupational Characteristics of Artists: A Statistical Analysis", *Journal of Cultural Economics*, vol. 9, no. 1

WIPO (2016), *Guide on Surveying the Economic Contribution of the Copyright Industries. Revised edition*. Geneva: WIPO

Zwar, J., David Throsby and T. Longden (2015), *Authors' income*. (Australian authors Industry Briefs; No. 3), Sydney: Macquarie University.